

شبکه شعاعی معنای ایمان از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

علیرضا قائمی نیا*

شعبان نصرتی**

سولماز ایرانی***

۱۵۷
دین

شبکه شعاعی معنای ایمان از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

چکیده

واژه ایمان و مشتقاتش در بیش از هفتصد آیه قرآن یاد شده است که این خود اهمیت این واژه را در جهان بینی قرآن نشان می‌دهد. بررسی تغییر معنای ایمان با توجه به دیدگاه افراد و با استفاده از نظریه شبکه شعاعی در معناشناسی شناختی به سازمان‌دهی معانی متفاوت ایمان کمک می‌کند. شبکه شعاعی مدل گرافیکی برای سازمان‌دادن معانی متفاوت یک واژه درباره یک معنای مرکزی است که به آن معنای مرکزی، پیش‌نمونه می‌گویند. مبنای شبکه شعاعی و در این پژوهش بر اساس انواع تغییر معنایی است که واژه سیاق‌های گوناگون پیدا می‌کند.

تغییر معنا- با توجه به دیدگاه‌های متفاوت- یکی از انواع تغییر معناست. معنای واژه ایمان نیز با توجه به دیدگاه لغت‌دانان، متکلمان اسلامی و مفسران تغییر می‌کند. معنای پیش‌نمونه از میان معانی متفاوت یک واژه انتخاب می‌شود و از معیارهای آن می‌توان به اولین معنای مورد قبول، تفوق در شبکه معنایی، رابطه با دیگر معانی واژه، پیش‌بینی دستوری و تصور راحت اشاره کرد. معنای پیش‌نمونه ایمان، تصدیق قلبی است که چهار دسته معنایی از آن انشعاب می‌شود؛ ۱. ایمان همراه با عمل، تصدیق قلبی افزون بر مؤلفه عمل؛ ۲. ایمان بدون قلب، تصدیق قلبی بدون مؤلفه قلب؛ ۳. حاصل ایمان؛ ۴. معنای مساوی با ایمان که همان معرفت است.

واژگان کلیدی: ایمان، تصدیق قلبی، شبکه شعاعی، پیش‌نمونه، تغییر معنا.

* دانشیار گروه معرفت‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. qaemini@yahoo.com

** استادیار گروه کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث. nosrati546@yahoo.com

*** دانشجوی دکترا رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث قم (نویسنده مسئول).

soliirani03@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۵

مقدمه

چندمعنایی و تغییر معنا از مباحثی هستند که در معناشناسی واژگانی بررسی می‌شوند. یکی از عوامل تغییر معنا سیاق و بافتی است که واژه در آن به کار می‌رود. عامل دیگر، روش مشاهده فرد بر اساس اطلاعاتی است که از پیش دارد؛ یعنی فرد در جایگاه چه کسی، به معناکردن واژگان می‌پردازد و اینکه تجربیات و علومی که در آن مهارت یا به آن باور دارد، در برداشت و معناکردن آن واژه تفاوت ایجاد می‌کند. پس می‌توان گفت برای معناکردن ایمان نظر لغت‌دان با متکلم متفاوت خواهد بود.

تلاش ما در این پژوهش بر این است که تغییرات معنای ایمان را بر اساس دیدگاه لغت‌دانان، متکلمان و مفسران بررسی کنیم و معناهای گوناگون آن را با توجه به این دیدگاه‌ها به دست آوریم و با استفاده از قواعد معناشناسی شناختی در معناشناسی واژگانی و شبکه شعاعی، این معناهای متفاوت را سامان‌دهی کنیم.

تغییر معنای ایمان در این نوشتار بر اساس طریقه مشاهده بررسی خواهد شد و در پایان با استفاده از شبکه شعاعی، این معناها دسته‌بندی خواهد شد. شبکه شعاعی مدل گرافیکی برای سازمان‌دادن معانی متفاوت یک واژه درباره یک معنای مرکزی است. پیش از این مقاله‌هایی درباره کاربرد شبکه شعاعی نگارش یافته است که می‌توان به مقاله‌های «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی "از" در چارچوب معناشناسی شناختی» از کیوان زاهدی و مقاله «بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه "با" در زبان فارسی» از شهره مختاری اشاره کرد؛ اما می‌توان دو مقاله نیز درباره شبکه شعاعی و کارکرد آن در قرآن نام برد؛ مانند «بررسی شبکه معنایی حرف "فی" و اهمیت آن در ترجمه قرآن از منظر معناشناسی شناختی» از محمود ایمانی و «کاربست نظریه پیش‌نمونه و شبکه شعاعی در معناشناسی شناختی تقوا در قرآن» از مریم نیلی‌پور.

اندیشوران اسلامی از ابتدا تاکنون تلاش‌های بسیاری برای مشخص کردن معنا و مفهوم ایمان کرده‌اند و تعریف‌های گوناگونی از آن و حدود و ثغورش کرده‌اند؛ ولی تاکنون نتوانسته‌اند تعریف یک‌دست و جامعی از آن ارائه دهند. در این میان، معانی متفاوتی از

ایمان- از آغاز پیدایش اسلام- ارائه شده است که دسته‌بندی و سامان‌دادن این معانی اجتناب‌ناپذیر است و از این رو ما در این نوشتار به دسته‌بندی و سامان‌دادن معانی گوناگون ایمان با استفاده از شبکه شعاعی پرداخته‌ایم.

الف) چندمعنایی

از اساسی‌ترین پدیده‌های دیده‌شده در زبان، وجود گوناگونی معانی برای یک واحد واژگانی است که این معانی با هم مرتبط هستند (Riemer, 2005, p.128/ zawada,) و (Geeraerts, 2006, p.109/ Taylor, 1995, p.99/ 1997, p.10) و این ارتباط به صورت سیستماتیک است (Lakoff, 1987, p.136). یک واحد واژگانی با هر بسامدی، همیشه چند معنا دارد که هر کدام از این معانی درجه‌ای از عرفی‌شدن را دارند. بر این اساس مطالعات در زمینه چندمعنایی موجب ایجاد مطالعات در زمینه تغییر معنا شد. معنای واژگان همیشه وابسته به سیاق است؛ یعنی می‌توان گفت چندمعنایی بیشتر در کاربرد کلمات در متن ظاهر می‌شود و بیشتر معنایی متفاوت کلمات در کاربردشان در متن ایجاد می‌شود.

چندمعنایی در این نوشتار به شکل گسترده‌تری به کار می‌رود که شامل تغییر معنای کلمه در موقعیت‌های گوناگونی است که در آن به کار می‌رود. با توجه به این مطلب نمی‌توان گفت چندمعنایی یک فرایند سرخود و بی‌قانون است. برای هر واژه می‌توان یک محدوده معنایی تعریف کرد که معناکردن واژه خارج از این محدوده نادرست است. حال وقتی کلمه در موقعیت‌های مختلف قرار می‌گیرد، مرزهای این محدوده مشخص می‌شود و معنای مد نظر را نمایان می‌کند. به این امر پتانسیل معنایی نیز می‌گویند. این پتانسیل است که قابلیت تقسیم به اجزا، قرارگرفتن در موقعیت‌های گوناگون و ترکیب با عناصر دیگر را دارد. عامل اصلی در این فرایند سیاق و بافتی است که واژه در آن قرار می‌گیرد (Croft & Cruse, 2004, p.110).

ب) شبکه شعاعی

در زبان‌شناسی شناختی معنا انعطاف‌پذیر است (Ibid, p.97) این امر و ارتباط معانی

گونگون واژه‌ها موجب شد که زبان‌شناسان شناختی معنا را به صورت شبکه‌ای در نظر بگیرند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۱۰). معنای واژه‌ها نیز پیرامون یک معنای مرکزی که همان معنای پیش‌نمونه است، شکل می‌گیرند و معانی دیگر با بسط و توسعه این معنای مرکزی پدید می‌آیند (گیرارتس و هیچنز، ۲۰۰۷، ص ۱۴۰ / ورایمر، ۲۰۰۵، صص ۱۴۲ و ۱۷۹). با ایجاد این معنای، شبکه‌ای ساخته می‌شود که آن را شبکه شعاعی می‌نامند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۳۳۱). واژه‌ها در هر سیاقی جرح و تعدیل خاصی پیدا می‌کنند که البته این معنا دارای محدوده‌ها و مرزهای مشخصی است که اگر از آن خارج شود، دیگر استعمال واژه در آن کاربرد نادرست خواهد بود. این معنای مرکزی را می‌توانیم به وسیله تحلیل‌های شناختی و طرح‌واره‌های تصویری تعیین کنیم (همان، ص ۳۳۲ / قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۱۵).

شبکه شعاعی روشی گرافیکی برای نشان‌دادن مفاهیم است که در بردارنده مجموعه‌ای از گره‌ها و روابط است. این گره‌ها نمایان‌گر مفاهیم و پیوندهای نشان‌دهنده روابط میان آن معانی است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۳۳۲).

نظریه پیش‌نمونه نخست درباره مقوله‌بندی مطرح شد که در زمینه تحلیل چگونگی پیدایش مقوله‌های زبانی راه‌گشا بوده است. پیش‌نمونه‌ها ابزاری برای مقوله‌بندی‌اند (افراشی و روشن، ص ۲۵). انسان می‌کوشد برای سهولت یادسپاری، اشیا و پدیده‌های همسان را در یک گروه قرار دهد و به جای اینکه در شناخت خود با جزئیات و مصادیق فراوان روبه‌رو باشد، از دسته‌ها و گروه‌های کلی‌تر کمک می‌گیرد. به این عمل مقوله‌بندی گفته می‌شود (نصرتی و رکعی، ۱۳۹۴، ص ۶۷)؛ به بیان دیگر مقوله‌بندی توانایی انسان در تشخیص و دسته‌بندی اشیای پیرامون، به عنوان اعضای یک گروه یا گروه‌های مشخص است (اردبیلی و روشن، ۱۳۹۲، ص ۳۷). از راه‌های مقوله‌بندی برای انسان استفاده از پیش‌نمونه است.

پیش‌نمونه مفهومی است که نماینده اصلی مقوله‌ها در ذهن است و هنگام شنیدن نام یک مقوله خاص، نخستین مفهومی است که به ذهن متبادر می‌شود و عضویت اعضای دیگر در مقوله، از رهگذر مقایسه آنها با پیش‌نمونه صورت می‌گیرد (زاوادا و هیچنز، ۱۹۹۷،

ص ۱۳) و بر اساس درجاتی از ویژگی‌ها، از نقطه کانونی پیش‌نمونه تا نقاط حاشیه‌ای و پیرامونی گسترش می‌یابند و بازیابی آن سریع‌تر از اعضای دیگر مقوله صورت می‌گیرد و همیشه ثابت نیست و با توجه به فرهنگ‌ها، موقعیت‌ها و بافت‌های گوناگون متغیر است (اردبیلی و روشن، ۱۳۹۲، ص ۳۷).

به‌کارگیری نظریه مقوله‌بندی و پیش‌نمونه در اموری مانند خوراکی‌ها، اجسام و حیوانات آسان است؛ اما باید گفت می‌توان از این روش در مفاهیم انتزاعی نیز استفاده کرد. به‌کارگیری این روش در مفاهیم همان مقوله‌های شعاعی است که یک مفهوم پیش‌نمونه به عنوان معنای مرکزی تعیین می‌شود و معانی دیگر واژه از آنجا گسترش می‌یابند؛ بنابراین می‌توان گفت نظریه پیش‌نمونه هم در مقوله‌بندی و هم در شبکه شعاعی کاربرد دارد؛ ولی این پیش‌نمونه در مقوله‌بندی برای مصادیق گوناگون یک واژه و در شبکه شعاعی برای مفاهیم مختلف یک واژه است. به بیان دیگر می‌توان گفت مقوله‌بندی برای مصادیق است و شبکه شعاعی نیز برای مفاهیم است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۳۳۱/ گیراتس و هیچنز، ۲۰۰۷، ص ۱۴۰/ وانهوف، ۲۰۰۸، ص ۱۶۵) و این دو در داشتن پیش‌نمونه با هم مشترک‌اند.

ج) انواع تغییر معنا

در این بخش ما سه روش از تغییر معنا در درون متن را بررسی می‌کنیم (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۳۵۳/ ر.ک: کرافت و کروز، ۲۰۰۴، ص ۱۱۶-۱۳۷).

۱. سیاق جمله‌ای یا جنبه‌های معنایی

جنبه‌های یک معنا، بخش‌های قابل تشخیص آن از کل هستند که درباره ساختار کلی-جزئی یک وجود است و به وسیله یک سیاق جمله‌ای خاص انتخاب می‌شود که خود نیز دارای سطحی از استقلال- غیر وابسته‌بودن- و تمایز مفهومی و دستوری‌اند؛ اما از معانی کلمه که در فرهنگ‌های لغت بیان شده، به شمار نمی‌آیند. برای نمونه واژه کتاب را در نظر بگیرید؛ در خارج از متن معنای این واژه هم شامل محتواس و هم شکل فیزیکی آن را در بر می‌گیرد. تفاوت وجوه با ریزمفهوم در این است که در ریزمفهوم،

ساختار، نوع آن وجود را تعیین می‌کند، ولی در وجوه اشاره به اجزای تشکیل‌دهنده آن وجود است.

- این کتاب واقعاً ضخیم است.

- این کتاب واقعاً جالب است.

در جمله اول منظور از کتاب شکل فیزیکی آن است و در جمله دوم منظور درون‌مایه آن است.

۲. سیاق کاربرد یا ریزمفهوم‌ها

ریزمفهوم، معنای متفاوتی از کلمه است که در نتیجه انگیزه به وسیله سیاق کاربرد ظاهر می‌شود و موقعیت خاصی که کلمه در آن به کار می‌رود و این معنا در بافت دیگر از بین می‌رود؛ یعنی آن معنای متفاوت تنها در آن موقعیت خاص پدید می‌آید. این معنا با معنای پیش‌فرضی که ما از آن واژه در ذهن داریم، متفاوت است و این تفاوت به موقعیتی ربط دارد که گوینده در آن قرار دارد و تا مخاطب از آن موقعیت خبر نداشته باشد، معنا را متوجه نمی‌شود؛ به بیان دیگر این معنا به کاربرد متفاوت واژه در آن سیاق مربوط است؛ یعنی کاربرد معنای جدید برای واژه به شمار می‌آید؛ برای نمونه مادر در حال خوردکردن گوشت روی تخته است و از پسرش می‌پرسد که چاقو داری؟ پسر با اینکه در جیبش یک چاقوی جیبی دارد، پاسخ می‌دهد: نه؛ زیرا چاقوی جیبی برای خوردکردن گوشت مناسب نیست.

در اینجا، با توجه به موقعیتی که چاقو در آن استفاده می‌شود، منظور از چاقو، ساتور است.

۳. سیاق اطلاعات یا روش مشاهده

این سیاق به جای سیاق کاربرد یا جمله، به اطلاعات دایرةالمعارفی مربوط است. هر شخصی تجربه‌های متفاوتی دارد که مستلزم این است که بازنمایی ذهنی هر فرد نسبت به وجودهای خاص نیز متفاوت باشد که باعث ایجاد دانش دایرةالمعارفی می‌شود که در چگونگی تفسیر کلمات تأثیر می‌گذارد. برای نمونه عبارت «هتل گران‌قیمت» دست‌کم به

سه صورت می تواند تفسیر شود:

- هتلی که برای خریدن گران است؛
- هتلی که برای ماندن گران است؛
- هتلی که ساختن آن گران است.

انواع شیوه مشاهده بر اساس «نقش کیفیات ذهنی» دسته بندی می شود. کیفیات ذهنی

به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱. شیوه مشاهده کلی - جزئی: مشاهده یک وجود به عنوان یک کل به همراه اجزایش، همچون مشاهده اسب به وسیله دام پزشک.
۲. شیوه مشاهده نوعی: مشاهده وجود به عنوان نوعی در میان انواع دیگر، همچون مشاهده اسب توسط یک جانورشناس.
۳. شیوه مشاهده تبعی: مشاهده یک وجود و هستی از نظر، در غالب فعل و انفعالات آن، درباره موجود دیگر، همچون مشاهده یک سوارکار به اسب.
۴. شیوه مشاهده تاریخ زندگی (پدید آمدن): مشاهده یک هستی از نظر در غالب اینکه چگونه به وجود آمده است، همچون مشاهده کتاب توسط ناشر (کرافت و کروز، ۲۰۰۴، ص ۱۳۷).

طریقه مشاهده بر اساس دیدگاه لغت دانان، متکلمان و مفسران از نوع اول است.

د) بررسی تغییر معنای واژه «ایمان»

ما در این پژوهش تغییر معنای ایمان را تنها با توجه به طریقه مشاهده بررسی می کنیم و در ادامه، معناهای متفاوت به دست آمده از این شیوه را بر اساس شبکه شعاعی سازمان دهی می کنیم. اصل تغییر معنا بر اساس طریقه مشاهده این است که مخاطب هرگاه با متن روبه رو می شود، درباره واژه به کاررفته در آن متن خالی الذهن نیست و بی گمان اطلاعاتی از پیش درباره آن واژه در ذهن خود دارد. ما نیز با دانش و اطلاعاتی که از طریق لغت نامه ها، تفاسیر و گفته های گوناگون به دست آورده ایم، سراغ قرآن می رویم؛ در ابتدا معنای ایمان را از دیدگاه لغت دانان مطرح می کنیم، سپس به بررسی معنای ایمان از دیدگاه

متکلمان و مفسران می‌پردازیم.

ه) معنای ایمان از دیدگاه لغت‌دانان

در ابتدا باید اشاره کرد شیوه مشاهده لغت‌دانان به واژه ایمان نگاه کاربردی است؛ زیرا لغت‌دانان واژه را با توجه به کاربرد واژه معنا می‌کنند.

ایمان مصدر باب افعال از ریشه «امن» است که در قرآن به صورت «آمن، آمنوا، یؤمنون و...» آمده است. همچنین به صورت اسم فاعل و صفت «مؤمن، مؤمنین و مؤمنون» به کار رفته است.

درباره معنای «امن» در لغت عرب اختلاف نظر فراوانی وجود ندارد و در بیشتر کتاب‌های لغت به صورت «ضد الخوف» معنا شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۸۸ / جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۰۱۷ / ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۴۹۲ / ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۹ / ابن منظور، ج ۱۳، ص ۲۱ / فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۷۸ / زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۲۳).

معجم مقاییس اللغة دو اصل برای ماده «امن» بیان می‌کند «أمن: الهمزة والميم والنون اصلان متقاربان: احدهما الأمانة التي هي ضدّ الخيانة، و معناها سُكون القلب، و الآخر التصديق و المعنيان كما قلنا متدانيان» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳).

راغب در مفردات «امن» را «طمأنينة النفس» و «زوال الخوف» یا - به بیان دیگر - آرامش خاطر و آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۹۰). ایمان مصدر باب افعال از ماده «امن» است (آمن، یؤمن، ایماناً). بیشتر واژه‌شناسان معنای ایمان را «تصدیق» بیان کرده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۳۶۸ / صاحب، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۱۶ / جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۰۷۵ / ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۵ / ابن منظور، ج ۱۳، ص ۲۶ / فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۲۷). تصدیق به معنای اذعان و اعتقاد و راست دانستن مطلب و سخن است: «بَلَّ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ: بلکه حق را آورد و مرسلین را در نبوت تصدیق کرد» (صافات: ۳۷ / قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۱۶). تصدیق در مواردی به کار می‌رود که نیاز به تحقیق و پژوهش است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۹۱).

«آمن، یومن، ایماناً» - امن در باب افعال - دو وجه دارد؛ یکی متعدی به خود، بدون

حروف اضافه، مانند آمنه است، به معنای «جعلت له الامن: برایش امنیت ایجاد کردم» و صفت مؤمن - اسم فاعل از آمن - که خدا در این معنا نسبت داده شده است؛ یعنی خدا امنیت می‌دهد، وجه دوم متعدی نیست و لازم است (همان).

تهذيب اللغة ایمان را در برابر نفاق قرار داده است و بیان می‌کند که ایمان یعنی داخل شدن در درستی امانتی که خداوند به او اعتماد کرده و این امانت را به او سپرده است؛ اگر به این امر، همچنان که زبانش اعتراف می‌کند، قلبش نیز باور داشته باشد، حق امانت را به جا آورده و مؤمن است؛ وگرنه منافق است.

تلاش صاحبان **مفردات و التحقيق** بر این است که معنای لغوی و اصطلاحی ایمان را یک‌جا گرد آورند و میان آنها رابطه ایجاد کنند؛ ولی حق مطلب این است هرگاه با کاربردهای گوناگون ایمان در قرآن روبه‌رو می‌شویم، خطور این معانی ذکر شده به ذهن دور از انتظار است. این معنا درباره کاربردهایی از ایمان در قرآن می‌تواند نتیجه دهد که ایمان همراه با متعلقش یا متعلقش ذکر شود. در جاهایی که ایمان بدون متعلق ذکر شده است، این معنا به ذهن نمی‌رسد. برای نمونه وقتی خداوند در قرآن می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، چون متعلق ندارد، نمی‌توان گفت این امنیت از چه راهی به دست آمده است. پس باید به دنبال معنای دیگری برای ایمان بود.

معنای دیگری نیز در کتاب‌های لغت برای ایمان گفته شده است؛ مانند «ضد الكفر و ثقة». در نتیجه همه معانی ذکر شده برای ایمان را می‌توان چهار معنا دانست:

۱. التصديق؛

۲. ضد الكفر؛

۳. صار ذا امن؛

۴. ثقة.

هدف ما در این پژوهش بررسی معنای خود واژه «ایمان» - به همین شکل خاص - است و صورت‌های دیگر ایمان را مانند حالت فعلی و صفتی بررسی نمی‌کنیم.

و) معنای ایمان از دیدگاه متکلمان اسلامی

متکلمان ایمان را یک وجود و هستی به همراه اجزای تشکیل دهنده آن در نظر می‌گیرند و از این راه به معناکردن ایمان می‌پردازند. این عمل آنان به خاطر این است که بتوانند به درستی ایمان را درک کرده و به همه جوانب آن آگاه باشند تا بتوانند در برابر معاندان از آن دفاع کنند. در تعریف ایمان از سوی متکلمان، چند مؤلفه نقش اساسی دارند؛ از جمله می‌توان به تصدیق قلبی، اقرار زبانی، معرفت، شناخت و عمل اشاره کرد. معناهای ایمان که از سوی متکلمان بیان شده است، از این قرار است:

- ایمان به معنای اقرار زبانی صرف است؛ یعنی اگر انسان تنها با زبان به ایمان (شهادتین) اقرار کند، کافی است و اینکه در قلبش چه می‌گذرد یا چه اعمالی را انجام می‌دهد، اهمیتی ندارد. این دیدگاه به فرقه کرامیه نسبت داده شده است (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲، ص ۴۷۸ / اشعری، ۱۴۰۰، ص ۱۴۱ / شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۵۵).

- ایمان همان معرفت و شناخت است. در اینجا ایمان برابر با معرفت و شناخت معنا شده است و عوامل دیگر - مانند تصدیق و عمل - در آن وجود ندارد. این دیدگاه به فرقه جبریه و جهیم بن صفوان نسبت داده شده است (مقداد، ۱۴۰۵، ص ۴۳۹ / تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۷۶).

- ایمان انجام همه طاعات اعم از واجبات، مستحبات و اجتناب از محرّمات است. این دیدگاه منسوب به خوارج است (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۵۴).

- ایمان به معنای انجام واجبات و ترک محرّمات - بدون مستحبات - است. بیشتر اهل معتزله بصره بر این دیدگاه هستند (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲، ص ۴۷۸ / شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۵۴ / ایچی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۳۲۳).

- ایمان به معنای تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به طاعات است. این دیدگاه به اهل حدیث (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۸۷ / ایچی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۳۲۳) و برخی علمای امامیه، مانند شیخ مفید، (مقداد، ۱۴۰۵، ص ۴۴۰) منسوب است.

- ایمان همان تصدیق به قلب و اقرار به زبان است. این دیدگاه برخی امامیه - مانند

شیخ طوسی و علامه حلی - است (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۵۴).

ز) ایمان از دیدگاه مفسران

مفسر کسی است که می‌کوشد پرده ابهام را از روی آیات قرآن بردارد و مراد و مقصود آیات قرآن را بیان کند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، مقدمه). در تعریف ایمان از سوی مفسران، کوشش شده است همه مؤلفه‌هایی که خدا برای ایمان در قرآن بیان کرده است، بیان شوند. برای نمونه متعلقات ایمان، کم‌وزیاد شدن ایمان، ایمان حقیقی و ظاهری.

۱. ایمان از دیدگاه طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان

شیخ طبرسی معنای لغوی ایمان را «الثقة والتصديق» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۲۰) و درباره معنای اصطلاحی نیز چنین می‌نویسد: «اما فی الشریعة فالایمان هو التصدیق بکل ما یلزم التصدیق به من الله تعالی وأنبیائه وملائکته وکتابه والبعث والنشور والجنة والنار» (همان). در جای دیگر تفسیر مجمع‌البیان مرحوم طبرسی معنای ایمان را معرفت می‌داند: «انّ أصل الایمان هو المعرفة بالله وبرسله وبجميع ماجاءت به رسله، وکل عارف بشیء فهو مصدق به» (همان، ص ۱۲۲) بر اساس این عبارت، صاحب مجمع‌البیان ایمان را معرفت می‌داند، اما نتیجه معرفت را تصدیق می‌نامد؛ بنابراین در دیدگاه مرحوم طبرسی ایمان، معرفت است، ولی هر معرفتی ایمان نیست؛ بلکه معرفتی ایمان است که به تصدیق ختم شود. همچنین طبرسی عمل را خارج از حوزه و معنای ایمان می‌داند (همان، ص ۱۸۸).

۲. ایمان از دیدگاه فخر رازی

فخر رازی در تفسیر خود ایمان را این‌گونه تعریف می‌کند: «المراد من الایمان الاعتقاد المبنی علی الدلیل» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۸۵). می‌توان گفت ایمان از دیدگاه ایشان ایمانی یقینی بر پایه تعقل است.

۳. ایمان از دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی^ع درباره تعریف از ایمان عبارت‌های متفاوتی را به کار برده است. او ایمان را تصدیق، علم یا اعتقاد تفضیلی نام برده است. در دیدگاه ایشان میان تصدیق و علم و

اعتقاد ناهمگونی وجود ندارد؛ زیرا تصدیق در نظر ایشان منطقی است، نه نفسانی؛ از این رو با علم سازگاری دارد. همچنین قید التزام عملی نیز جزو تعریف ایشان از ایمان است. علامه طباطبائی^۱ با دو نگاه متفاوت به بیان مفهوم «ایمان» پرداخته است؛ ایشان گاه به ماهیت و سرشت ایمان نظر دارد و گاه به لوازم و نشانه‌هایی که به تبع ایمان صادر می‌شوند؛ در واقع در بسیاری از این تعبیرها، به بحث هستی‌شناختی و ماهیت «ایمان» نظر ندارد؛ بلکه صرفاً لوازم آن را در نظر دارد. با توجه به این نکته می‌توان گفت که علامه با لحاظ چیستی و ماهیت «ایمان»، «ایمان» را امری قلبی می‌داند و امور دیگر- مانند شناخت و التزام عملی به متعلق ایمان- را جزو لوازم آن می‌داند؛ از این رو برخی تعبیر وی به سرشت ایمان مربوط است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵؛ ج ۱۱، ص ۲۷۶/ ج ۱۶، ص ۳۱۴)- بدون لحاظ نشانه‌ها و لوازم آن- و برخی دیگر به ایمان- با توجه به لوازم و نشانه‌های آن- باز می‌گردد (همان، ج ۱۸، صص ۲ و ۱۵۸/ ج ۱۵، ص ۱۴۵)؛ بنابراین هرچند علامه^۲ بر التزام عملی تأکید می‌کند، نباید دیدگاه ایشان را در زمره دیدگاه‌هایی قرار دهیم که عمل را در ماهیت ایمان شرط می‌دانند. حقیقت ایمان در واقع عبارت است از همان تصدیق قلبی؛ از این رو از نگاه علامه طباطبائی^۳ التزام عملی در ماهیت آن و در تحقق اصل ایمان دخالتی ندارد (ر.ک: نصیری، ۱۳۹۳).

ز) تعیین پیش‌نمونه

تایلر و ایوانز (ایوانز، برگن و زینکن، ۲۰۰۷، ص ۱۹۷/ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۳۴۴) معیارهایی را برای تعیین معنای پیش‌نمونه‌ای حروف اضافه نام برده‌اند که در این پژوهش به عنوان معیار ما در تعیین معنای اولیه درون شبکه معنایی در نظر گرفته شده‌اند- با اینکه این معیارها برای حروف اضافه بیان شده‌اند، با کمی تغییر می‌توان از آنها در موارد دیگر غیر از حروف نیز استفاده کرد.

- اولین معنای پذیرفته شده: حروف دارای مفاهیم گوناگونی هستند که در طول تاریخ به وجود آمده‌اند. قدیمی‌ترین معنای حرف اضافه در تاریخ را می‌توان به عنوان معنای پیش‌نمونه‌ای مطرح کرد.

- تفوق یک معنا در شبکه معنایی: هر شبکه معنایی حاوی مفاهیم گوناگونی است که مستقیم یا غیرمستقیم با هم ارتباط دارند. معنایی که در بیشتر معانی دیگر دیده می‌شود، می‌تواند معنای پیش‌نمونه باشد.

- رابطه با دیگر مفاهیم اسم: در میان اسم‌ها جفت‌های متضادی وجود دارند که انتخاب هر یک از سوی سخنگو، به تعبیر و زاویه دید او بستگی دارد؛ مانند ایمان یا ضدالکفر. معنای پیش‌نمونه‌ای اسم، مفهومی است که در تضاد میان دو جفت اسم نقش کلیدی‌تری دارد.

- پیش‌بینی دستوری: چنانچه بتوانیم تشخیص دهیم که معنای گوناگون موجود برای یک اسم، زمانی از یک معنای خاص گرفته شده‌اند و سپس بخشی از شبکه معنایی مرتبط با آن اسم را تشکیل داده‌اند، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که برخی معانی، به‌طورمستقیم از معنای سرنمونی گرفته شده است.

- تصور راحت (نصرتی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۰): معنای پیش‌نمونه باید به‌گونه‌ای باشد که هنگام بیان آن واژه، به‌راحتی به ذهن متبادر شود و به تفکر زیاد نیاز نداشته باشد.

ح) تعیین معنای پیش‌نمونه ایمان

با توجه به معانی بیان‌شده برای ایمان، می‌توانیم معنای پیش‌نمونه‌ای ایمان را با توجه به اصول آن تعیین کنیم؛ سپس شبکه شعاعی معنای ایمان را ترسیم کنیم.

با توجه به معانی ذکرشده برای ایمان از سوی متکلمان و همچنین معانی کتاب‌های لغت به نظر می‌رسد ایمان در اسلام به یک اصطلاح دینی تبدیل شده است. با این حال کتاب‌های لغت ما را در یافتن معنای پیش‌نمونه‌ای یاری می‌کنند. به بیان روشن‌تر ما برای تعیین معنای پیش‌نمونه ایمان سراغ کتاب‌های لغت می‌رویم؛ زیرا با توجه به معیارهای بیان‌شده در تعیین پیش‌نمونه، قدیمی‌ترین معنایی که برای ایمان می‌توان یافت، از میان کتاب‌های لغت است، نه آرای متکلمان.

راغب میان معنای تصدیق و امنیت جمع کرده و گفته است: «أَنَّ الْإِيمَانَ هُوَ التَّصَدِيقُ الَّذِي مَعَهُ أَمْنٌ: ایمان تصدیقی است که همراهش آرامش و امنیت است» (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲، ص ۹۱).

در **التحقیق** ایمان قراردادن خود یا دیگری در امنیت و آرامش معنا شده است و معنای دیگر ایمان با مفعول با واسطه، حصول آرامش به وسیله ایمان به آن است: «والایمان جعل نفسه أو غيره في الأمن والسكون. والایمان به حصول السكون والطمأنينة به والذین آمنوا بالله ورسله أي اطمأنوا وحصل لهم الأمن؛ وآمن بالله: حصل له الاطمینان والسكون بالله المتعال» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۰).

در جمع‌بندی مطالب بیان‌شده می‌توان این چنین گفت که ایمان تصدیق قلبی است که امنیت و آرامش به همراه دارد. با توجه به معیارهای بیان‌شده برای تعیین پیش‌نمونه، معنای پیش‌نمونه ایمان به شرح زیر است (ایوانز، برگن و زینکن، ۲۰۰۷، ص ۱۹۷/ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۳۴۴):

۱. قدیمی‌ترین معنایی که برای ایمان در کتاب‌های لغت بیان شده، تصدیق است؛ مانند **العین و تهذیب اللغة**.
۲. می‌توان گفت معنای تصدیق پرتکرارترین معنا برای ایمان در کتاب‌های لغت است. البته این تصدیق همراه با آرامش و اطمینان است که خود برخاسته از قلب است.
۳. معنایی صلاحیت معنای پیش‌نمونه را دارد که بتواند در یک ترکیب - و از دیدگاه دیگر - با معنای متضاد خود جایگزین شود. تصدیق این ویژگی را دارد؛ زیرا تصدیق متضاد تکذیب است که بیشتر برای معنای کفر به کار برده می‌شود. برای نمونه در اینجا مؤمن کسی است که قلباً تکذیب نکند.
۴. می‌توان گفت تصدیق قلبی در بیشتر معانی بیان‌شده برای ایمان وجود دارد و پایه توسعه مجازی و حقیقی معنای آن است. برای نمونه درباره خرید و فروش ایمان، مانند اینکه تصدیق قلبی معامله می‌شود یا در افزایش ایمان، این تصدیق است که در ظرف قلب کیفیتش بهبود می‌یابد.
۵. تصور راحت: وقتی سخن از ایمان است، نخستین چیزی که به ذهنمان می‌رسد، باور و اعتقاد (تصدیق) است.

ط) ترسیم شبکه شعاعی معنای ایمان در قرآن

در این بخش- با توجه به معنای مرکزی و پیش‌نمونه‌ای ایمان- به دسته‌بندی معنای ذکر شده می‌پردازیم. با توجه به مطالب بالا، می‌توان معنای تصدیق قلبی، ثقه، صار ذا امن، اقرار زبانی، معرفت و شناخت، تصدیق قلبی و اقرار زبانی و عمل را معنای متفاوت ایمان برشمرد. در این میان، تصدیق قلب معنای پیش‌نمونه است که دیگر معنای از این معنا توسعه می‌یابند.

ی) چگونگی توسعه معنای ایمان از معنای پیش‌نمونه

توسعه معنای ایمان را با توجه به معنای پیش‌نمونه تصدیق قلبی می‌توان در چهار دسته معنایی به این ترتیب سازمان‌دهی کرد:

۱. معنای پیش‌نمونه‌ای ایمان (تصدیق قلبی) افزون بر عمل: چیزی علاوه بر تصدیق قلبی در معنای ایمان مد نظر است که آن همان عمل است که در معنای اول این عمل اقرار به لسان است و در معنای بعدی اقرار به لسان و عمل با جوارح است.
۲. معنای پیش‌نمونه‌ای ایمان (تصدیق قلبی) بدون مؤلفه قلب: تنها در بردارنده معنای اقرار لسانی بدون تصدیق قلبی است. درباره اقرار زبانی باید گفت خود اقرار زبانی نوعی تصدیق است؛ با این تفاوت که مؤلفه قلب در آن حذف شده است.
۳. در این دسته حاصل معنای پیش‌نمونه مد نظر است که شامل سه معنای ثقه، ضدالکفر و صار ذا امن است. در معنای ثقه پس از اینکه فرد با قلبش کس دیگری را تصدیق کرد، او را قابل اعتماد و اطمینان می‌یابد. در مورد صار ذا امن نیز باید گفت اگر انسان چیزی یا کسی را با قلبش تصدیق کند، از سوی او در امان خواهد بود. ضدالکفر نیز وقتی به ایمان اطلاق می‌شود که ایمان به دست آمده باشد.
۴. دسته چهارم نیز معنایی برابر با معنای پیش‌نمونه دارد که همان معرفت است. قائلان به این نظر معتقد هستند بدون معرفت و شناخت، تصدیق قلبی به دست نمی‌آید و از سویی معرفت و شناخت از طریق قلب حاصل می‌شود؛ پس در واقع معرفت و شناخت مقدمه و زمینه‌ای برای تحقق تصدیق قلبی هستند یا به بیان دیگر نتیجه معرفت

و شناخت تصدیق قلبی است.

نتیجه‌گیری

شبکه‌ی شعاعی معنا، نظریه‌ای در معناشناسی شناختی است که با انتخاب معنای مرکزی برای پیش‌نمونه به بررسی چگونگی گسترش دیگر معانی واژه در بافت‌ها و ترکیبات گوناگون می‌پردازد و هدف این مقاله سامان‌دادن به معانی مختلف واژه «ایمان» در قرآن بود. اصل بر این بود معنای واژه‌ی ایمان در سیاق‌های مختلف، با توجه به قیدهایی که مفهوم ایمان را گسترش داده، بررسی شود و از این راه نیز چندمعنایی در ایمان اثبات شد. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد معانی مختلف ایمان پیرامون یک معنای پیش‌نمونه که همان «تصدیق قلبی» است، تشکیل یک شبکه‌ی شعاعی می‌دهد. از این معنا می‌توان چهار دسته‌ی کلی معنایی دیگر منشعب کرد که دیگر معانی ایمان از این چهار دسته توسعه می‌یابند. دسته‌ی معنایی ایمان به همراه عمل که منظور از عمل اقرار با زبان و عمل به جوارح است. دسته‌ی معنایی ایمان بدون قلب که همان معنای اقرار زبانی صرف است. دسته‌ی معنایی حاصل ایمان که معنای ثقه، ضد الکفر و صار ذا امن را در بر می‌گیرد و معنای آخر که برابر با ایمان فرض شده، همان معرفت و شناخت است.

دیدگاه‌ها درباره‌ی مفهوم ایمان میان اندیشوران اسلامی بسیار گوناگون است. این پژوهش کمک می‌کند تا با در نظر گرفتن شبکه‌ی شعاعی معنای ایمان هنگام تعریف این مفهوم، این شبکه را تصور کرده و تعریف جامع و کاملی از آن ارائه کند.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ **النهاية في غريب الحديث والاثار**؛ قم: مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل؛ **المحکم والمحیط**؛ بیروت: دار اکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن فارس، احمد؛ **معجم مقاییس اللغة**؛ ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**؛ بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر، [بی تا].
۵. ازهری، محمد بن احمد؛ **تهذیب اللغة**؛ بیروت: دار احیاء تراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۶. اشعری، ابوالحسن؛ **مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین**؛ تحقیق فرانس شتاينر؛ ج ۳، آلمان: ویسبادن، ۱۴۰۰ق.
۷. افراشی، آزیتا، بلقیس روشن و شهرام رنجبری؛ «نقش متغیرهای اجتماعی در تعیین پیش‌نمونه‌های زبانی»؛ **فصلنامه پازند**، ش ۲۲ و ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۸. ایجی، میر سید شریف؛ **شرح المواقف**؛ ج ۱، قم: الشریف الرضی، ۱۳۲۵ق.
۹. تفتازانی، سعدالدین؛ **شرح المقاصد**؛ ج ۱، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ **الصحاح**؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۱۱. حلبی، علی اصغر؛ **تاریخ علم کلام در ایران و جهان**؛ ج ۳، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۶.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **مفردات الفاظ القرآن**؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۱۳. روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی؛ **مقدمه معناشناسی شناختی**؛ [بی جا]: نشر علم،

۱۳۹۲.

۱۴. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی؛ حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد والعدالة؛

ج ۱، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

۱۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات

اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، تهران: انتشارات

ناصرخسرو، ۱۳۷۲.

۱۷. فاضل مقداد؛ ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين؛ قم: انتشارات کتابخانه

آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.

۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب؛ ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی،

۱۴۲۰ق.

۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.

۲۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ القاموس والمحیط؛ بیروت: دار الکتب العلمیه،

۱۴۱۵ق.

۲۱. قائمی نیا، علیرضا؛ معناشناسی شناختی قرآن؛ تهران: ج ۱، سازمان انتشارات

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

۲۲. قاضی عبدالجبار؛ شرح الاصول الخمسة؛ ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی،

۱۴۲۲ق.

۲۳. قرشی، علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

۲۴. مرتضی زبیدی؛ محمد بن محمد؛ تاج العروس؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

۲۵. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

۲۶. نصرتی، شعبان و محمد رکعی؛ «سرشت مقوله‌بندی»؛ فصلنامه ذهن، ش ۶۲،

تابستان ۱۳۹۴.

۲۷. نصرتی، شعبان؛ معناشناسی شناختی قلب در قرآن؛ پایان‌نامه دکتری رشته کلام

امامیه، پاییز ۱۳۹۲.

۲۸. نصیری، منصور؛ «ایمان از دیدگاه علامه طباطبائی»؛ فصلنامه قبسات، سال ۱۹،

ش ۷۳، پاییز ۱۳۹۳.

۱۷۵

دین

شبکه شعاعی معنای ایمان از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

29. Taylor, John; **linguistic categorization**; New York: Clearndon press, 1995.
30. Evans, Vyvyan & Benjamin Bergen & Jorg Zinken; **The Cognitive linguistic Reader Equinox First Published**; London, 2007.
31. Evans, Vyvyan & Melanie green; **Cognitive Linguistics an Introduction**; Edinburgh: Edinburgh University Press, 2006.
32. Croft, William; D. Alan Cruse; **Cognitive Linguistics**; New York: Cambridge university press, 2004.
33. the oxford handbook of cognitive linguistics; **Dirk Geeraerts and Hubert Cuyckens**; New York: Oxford university press, 2007.
34. Nerlich, Brigitte & Zazie Todd; **Polysemy Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language**; Berlin & New York, 2003.
35. Riemer, Nick; **The Semantics of Polysemy**; Berlin & New York: Moutin de Gruyter, 2005.
36. Cuyckens, Hubert & Britta Zawada; **Polysemy in Cognitive linguistics**; Amsterdam: John Benjamins Publishing Company, 1997.
37. Martin Vanhove; **From Polysemy to Semantic Change**; Amsterdam: John Benjamins Publishing Company, 2008.
38. Geeraerts, Dirk; **Cognitive Linguistics: Basic Readings**; Berlin & New York: Moutin de Gruyter, 2006.
39. Lakoff, George; **Women, Fire and Dangerous Things**; Chicago and London: University of Chicago press, 1987.

